

## نقد ترجمه آیه هفتم سوره حمد با بهره‌گیری از روایات

### تفسیری

حبیب‌الله حلیمی جلودار<sup>۱</sup> و سیّد مهدی موسوی<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر

۲- دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، بابلسر

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۰۵)

### چکیده

آیه هفتم سوره مبارکه حمد یا فاتحه‌الکتاب از جمله آیاتی است که در معنای آن، میان مفسران و مترجمان قرآن کریم اختلاف است. در این جستار، قسمت پایانی این آیه کریمه، یعنی «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» مورد توجه می‌باشد که هم در اعراب و نقش کلمات و هم در تفسیر و ترجمه آنها تفاوت قابل توجه میان عالمان قرآنی مشاهده می‌شود. پرسش مقاله حاضر این است که آیا «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» نقش وصفی برای «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» دارد، یا عبارتی متمایز از آن است. با بررسی تفاسیر، کتب مربوط و تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل شد که عده‌ای معتقدند تعبیر فوق، وصف همان «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» یعنی کسانی است که مغضوب خداوند نبوده‌اند و گمراه نشده‌اند، ولی غالب آنها، تمایز بین این دو قسمت از آیه را پذیرفته‌اند و آیه مبارکه را بدین صورت ترجمه کرده‌اند: «ما را به راه کسانی که به آنها نعمت دادی، هدایت فرما، نه غضب‌شدگان و نه گمراهان». این پژوهش با بهره‌گیری از روایات تفسیری، بر ترجمه و تفسیر دوم تأکید دارد و آن را ترجیح می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** ترجمه، تفسیر، روایات تفسیری، آیه هفتم سوره حمد، نقد.

---

\* E-mail: musavy.mehdi@yahoo.com

## مقدمه

دانستن معنا و مفهوم آیات قرآن کریم بر هر مسلمانی بایسته و شایسته است، به‌ویژه آیات و سوره‌هایی که شخص موظف است در نمازهای روزانه خود قرائت کند. سوره حمد یا فاتحة‌الکتاب که قرائت آن در همه نمازها، چه واجب چه مستحب، لازم است، از جمله این سوره‌هاست که باید در فهم معنای عبارات دقیق آن کوشید، چراکه ندانستن معنای آیات و جمله‌های آن، همچون قرائت ناصحیح، پسندیده و مطلوب نیست. آنچه به احصاء درآمده، نوشته‌ای مستقل به این موضوع خاص نپرداخته است که آیا «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» نقش وصفی برای «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» دارد، یا عبارتی متمایز از آن است و آنچه انگیزه نگارندگان شده، تفاوت ترجمه و تفسیر مترجمان و مفسران بوده است که در لابه‌لای کتب تفسیری موجود است. لذا برای برجسته ساختن معنای دقیق این آیه از سوره حمد، تنظیم این مقاله ضروری می‌نمود.

## ۱- پرسش و فرضیه پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، پرسش مقاله حاضر این است که آیا «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» نقش وصفی برای «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» دارد یا عبارتی متمایز از آن است. فرض ما این است که عبارت شریفه «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» متمایز و مستقل از «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» می‌باشد نه وصف آن. روش این مقاله توصیف نگاه مترجمان و مفسران در این آیه خاص و بررسی و تحلیل آنها برای دست یافتن به نتیجه مربوط است.

مترجمان قرآن مانند مفسران در معنای آیه هفتم سوره حمد اختلاف نظر دارند. برخی گفته‌اند منظور از «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» همان «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هستند که غضب الهی و گمراهی شامل حال آنان نمی‌شود. در واقع، کلمه «غیر» را صفت برای «الَّذِينَ» دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد این آیه اشاره به سه گروه متمایز از هم

دارد؛ یعنی: ۱- «أُنْعِمْتَ عَلَيْهِمْ». ۲- «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ». ۳- «الضَّالِّينَ». یادآوری می‌شود که برخی روایات تفسیری بر این تفسیر دوم صحه می‌گذارند.

## ۲- دیدگاه مفسران

پیش از ذکر اقوال مفسران، یادآوری می‌شود که در اعراب و نقش کلمه «غیر» در این آیه، میان عالمان نحوی اختلاف است. برخی گفته‌اند این کلمه بدل از ضمیر «هم» در «عَلَيْهِمْ» است، برخی آن را بدل از «الَّذِينَ» و برخی هم صفت «الَّذِينَ» گرفته‌اند (ر.ک؛ درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۵). بعضی هم تنها وجه وصفی برای «الَّذِينَ» را پذیرفته‌اند (ر.ک؛ دغاس، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۸). در میان مفسران نیز برخی به اعراب این آیه اشاره کرده‌اند؛ به عنوان نمونه مرحوم طبرسی در *جوامع‌الجامع* و پس از او بیضاوی، هر دو نقش وصف و بدل را برای «غیر» پذیرفته‌اند و می‌گویند: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» بدل از «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است؛ بدین معنی که «الْمُنْعَمَ عَلَيْهِمْ» همان کسانی هستند که از غضب خدا و گمراهی سالم مانده‌اند یا اینکه واژه «غیر» در اینجا صفت باشد؛ بدین معنی که آنها جمع کرده‌اند میان نعمت الهی و سلامت از غضب الهی و ضلالت<sup>۱</sup> (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۰۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۳۱ و بروجردی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۶۶۳).

نقش «نعت یا وصف» همان دیدگاه اول را تأیید می‌کند و ترجمه آیه را بدین سو می‌برد: «آن مُنْعَمان که از غضب و گمراهی مبرا هستند». این دیدگاه مورد پذیرش نگارندگان مقاله حاضر قرار نمی‌گیرد، اما اعراب بدل را می‌توان پذیرفت، البته نه به معنایی که در تفسیر *جوامع‌الجامع* ذکر شد. در این تفسیر، هر دو معنای بدل و صفت بودن به یک ترجمه و نتیجه منتهی می‌شود، البته مشخص نیست چرا «غیر...» بدل «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ...» قرار گرفته، ولی با وجود این، معنای آن را مانند نقش صفت دانسته‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۰). حال آنکه به نظر می‌رسد اعراب نعت با بدل تفاوت دارد و قابل جمع نیست. دیگر اینکه در بدل لزوماً معنای «این‌همانی» مطرح نیست، چنان‌که به بیان دیگر عالمان نحو، نکته بدل در آیه شریفه این است که نعمت‌داده‌شدگان (مُهْتَدِينَ) غیر از

«مَغْضُوبِينَ» و «ضَالِّينَ» هستند. صافی در *الجدول فی إعراب القرآن* می‌گوید: «... يُبَدَّلُ مِنَ الَّذِينَ بَصَلَتْهِ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و هُمُ الْيَهُودُ «و لَأَ» و غیر «الضَّالِّينَ» وَ هُمُ النَّصَارَى وَ نُكْتَةُ الْبَدَلِ إِفَادَةٌ أَنَّ الْمُهْتَدِينَ لَيْسُوا يَهُوداً وَ لَأَ نَصَارَى» (صافی، ۱۴۱۸ق: ۴).

آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مکارم شیرازی این تفسیر را که منظور از «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ»، «یهود» باشد و منظور از «و لَأَ الضَّالِّينَ»، «نصاری» تأیید کرده‌اند، ولی گفته‌اند: «باید توجه داشت که این تعبیر در حقیقت، از قبیل تطبیق کلی بر فرد است، نه انحصار مفهوم اینها بر دسته خاصی (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۴۸ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۵). از دیگر طرفداران تفسیر اول، ابن‌عاشور است که جمله «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَأَ الضَّالِّينَ» را توصیف «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» دانسته است و می‌افزاید: «غرض از وصف «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» به «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَأَ الضَّالِّينَ»، در واقع، پناه بردن به خداست از اینکه مثل کسانی نباشند که مورد انعام الهی قرار گرفتند، ولی حق آن را ادا نکردند» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۳). مراد ابن‌عاشور، نعمت‌داده‌شدگانی است که به خاطر شکرگزاری مورد غضب الهی واقع نشدند و گمراه نگردیدند. علامه طباطبائی هم ظاهراً به همین طریق رفته است. ایشان ذیل آیه «قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ» (القصص/۱۷)، می‌گوید: «... و اینان (کسانی که خدا به آنان نعمت داد)، اهل صراط مستقیمی بوده‌اند که از غضب و گمراهی ایمنند. به دلیل قول خدای تعالی که می‌فرماید: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَأَ الضَّالِّينَ»<sup>۲</sup> (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۱۶: ۲۰).

از این تعبیر استفاده می‌شود که به نظر علامه، مغضوب و گمراه نبودن، وصف‌هایی از همان «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است، نه اینکه دو گروه جداگانه‌ای غیر از «مَنْعَمَ عَلَيْهِمْ» باشند؛ یعنی انعام‌شدگان مصون از گمراهی و غضب الهی. ولی ایشان در تفسیر آیه هفت سوره حمد، با توجه به همین آیه، مردم را به سه دسته تقسیم می‌کنند: مؤمنان، غضب‌شدگان و گمراهان: «وَ عِنْدَ ذَلِكَ تُقْسِمُ النَّاسُ فِي طَرَفِهِمْ ثَلَاثَةَ أَقْسَامٍ: مِنْ طَرِيقَةٍ إِلَى فَوْقٍ وَ هُمُ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ طَرِيقَةٍ إِلَى السُّفْلِ وَ هُمُ

المَغْضُوبُ عَلَيْهِمْ، وَ مِنْ ضِلِّ الطَّرِيقِ وَ هُوَ حَيْرَانٌ فِيهِ وَ هُمُ الضَّالُّونَ، وَ رَبَّمَا أَشْعَرَ بِهَذَا التَّقْسِيمِ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾، وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ لَا مَحَالَةَ لَيْسَ هُوَ الطَّرِيقَيْنِ الْآخِرَيْنِ مِنَ الطَّرِيقِ الثَّلَاثِ أَعْنَى: طَرِيقَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ طَرِيقَ الضَّالِّينَ» (همان، ج ۱: ۲۹).

این تفسیر دوم که البته مدعای مقاله حاضر هم می‌باشد، ظاهراً مخالف تفسیر اول ایشان است. در تفسیر اول، سخن از سه طریقه نیست، بلکه تنها یک گروه و طریقه است که با ویژگی عدم غضب الهی و گمراهی توصیف شده‌اند.

این تناقض را در *البيان في تفسير القرآن* نیز می‌توان مشاهده کرد. آیت‌الله خوئی در یک موضع اشاره به جدایی و تمایز این سه گروه می‌کنند و می‌فرمایند: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ؛ فِيهِ دَلَالَةٌ عَلَى وُجُودِ طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ سَلَكَهُ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... ، وَ وُجُودِ طَرِيقِ أُخْرَى غَيْرِ مُسْتَقِيمَةٍ سَلَكَهَا الْمَغْضُوبُ عَلَيْهِمْ ... ، وَ الضَّالُّونَ الَّذِينَ ضَلُّوا طَرِيقَ الْهُدَى بِجَهْلِهِمْ ... وَ الْقَارِئُ الْمُتَدَبِّرُ لِهَذِهِ الْآيَةِ الْكَرِيمَةِ يَتَذَكَّرُ ذَلِكَ فَيُحْضِرُ فِي ذَهْنِهِ لُزُومَ النَّاسِ بِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ ... وَ التَّجَنُّبُ عَنِ مَسَالِكِ هَؤُلَاءِ الْمُتَمَرِّدِينَ الَّذِينَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِمَا فَعَلُوا، وَ الَّذِينَ ضَلُّوا طَرِيقَ الْحَقِّ بَعْدَ إِتْصَاحِهِ» (خوئی، بی‌تا: ۹۹).

اما در موضع دیگر، قائل به وصفیت جمله «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ...» برای «صِرَاطَ الَّذِينَ...» شده است: «... فَفِي تَوْصِيفٍ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِأَنَّهُمْ غَيْرُ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ تَقْيِيدًا لِإِطْلَاقِهِ، وَ تَضْيِيقًا لِسَعْتِهِ، فَلَا يُشْمَلُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ لَمْ يُؤَدِّوا شُكْرَ النُّعْمَةِ...» (همان: ۴۹۰). این در حالی است که به نظر می‌رسد این دو دیدگاه با یکدیگر قابل جمع نیست.

آیت‌الله جوادی آملی به گونه‌ای دیدگاه اول را تأیید می‌کنند و در توضیح آیه آورده‌اند: «صراط مستقیم که مطلوب عبد سالک است، راه کسانی که خدای سبحان به آنان نعمت‌های معنوی عطا کرده است و آنان نه مورد غضب خداوند و نه گمراه» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۱۴). در جای دیگر نیز می‌نویسند: «جمله ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا

الضَّالِّينَ ﴿ برای بیان برخی از صفات سلبی نعمت‌یافتگان است و به این معناست: کسانی که تو به آنها نعمت داده‌ای، نه مغضوب‌اند و نه گمراه » (همان: ۵۲۷).

### ۳- دیدگاه تمایز

اما در مقابل این تفسیر، برخی مفسران هم هستند که قائل به تمایز و تعدد «مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ» و «ضَّالِّينَ» از «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» شده‌اند. مهم‌ترین این اقوال عبارتند از:

- مقاتل بن سلیمان آیه شریفه را به این نحو تفسیر کرده است: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ يَعْنِي دَلَّنَا عَلَى دِينِ غَيْرِ الْيَهُودِ الَّذِينَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ... وَ لَا الضَّالِّينَ، يَقُولُ وَ لَا دِينَ الْمُشْرِكِينَ يَعْنِي النَّصَارَى» (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۳۷).

سخن مقاتل دالّ بر این است که راه «مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ» و «ضَّالِّينَ» که از مصادیق بارز آن «یهود» و «نصاری» می‌باشند، غیر از راه «مُنْعَمٌ عَلَيْهِمْ» است.

- شیخ طوسی نیز همین برداشت را از آیه داشته است: «﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ هُمُ الْيَهُودُ عِنْدَ جَمِيعِ الْمُفَسِّرَانِ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ، لِأَنَّهُ تَعَالَى قَدْ أَخْبَرَ أَنَّهُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ... ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ هُمُ النَّصَارَى لِأَنَّهُ قَالَ: «وَوَضُّوْا عَنْ سِوَاءِ السَّبِيلِ» ... يَعْنِي النَّصَارَى. وَ رَوَى ذَلِكَ عَنِ النَّبِيِّ<sup>(ص)</sup>» (طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۴۴ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۰۸).

- زمخشری لفظ «لا» بر سِرِّ «وَلَا الضَّالِّينَ» را عطف بر کلمه «غَيْرِ» که معنی نفی دارد، دانسته است و با توجه به آن، در معنای «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» می‌گوید: «نه غضب‌شدگان و نه گمراهان»<sup>۲</sup> (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۷ و سائیس، بی‌تا: ۲۰).

- فخرالدین رازی هم با اشاره به سه طایفه مذکور در آیه کریمه، این تمایز و تغایر را چنین بیان نموده است: «... وَ الطَّائِفَةُ الثَّانِيَّةُ: الَّذِينَ أَخْلَوْا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ، وَ هُمُ الْفَسَقَةُ وَ إِلَيْهِمُ الْإِشَارَةُ بِقَوْلِهِ: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ. وَ الطَّائِفَةُ الثَّلَاثَةُ: الَّذِينَ أَخْلَوْا بِالْإِعْتِقَادَاتِ الصَّحِيحَةِ، وَ هُمُ أَهْلُ الْبِدْعِ وَ الْكُفْرِ، وَ إِلَيْهِمُ الْإِشَارَةُ بِقَوْلِهِ: وَ لَا الضَّالِّينَ» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۲۲۹).

امام خمینی<sup>(ره)</sup> این تمایز را با عبارت «سه راه هست» تأکید می‌کند: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ. صراط مستقیم همین صراط اسلام است که صراط انسانیت است؛ که صراط کمال است، که راه به خداست. سه راه هست: یک راه مستقیم و یک راه شرقی (مغضوب علیهم) و یک راه غربی (ضالین)» (موسوی خمینی<sup>(ره)</sup>، ۱۳۸۸: ۲۴۲). همچنین می‌فرماید: «﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: آنهایی که تو به آنها نعمت دادی، آنها را منعم کردی، رحمت را بر آنها وارد کردی و هدایت را بر آنها وارد کردی ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾، ﴿مَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ یک طایفه‌اند منحرف. ﴿ضالین﴾ هم یک طرف‌اند منحرف» (همان: ۲۳۸).

روشن است که این برداشت‌ها و تفاسیر حاکی از همان تمایز و غیرت گروه‌های سه‌گانه مورد نظر است. در اینجا به منظور پرهیز از تطویل و تکرار کلام به ذکر نام تفاسیر دیگری که همین برداشت را از آیه منظور کرده‌اند، بسنده می‌شود: تفسیر الصافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۸۸-۸۷)، آلاء الرحمن (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۶۴)، بیان المعانی (آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۱۱۶)، تفسیر المراغی (مراغی، بی‌تا، ج ۱: ۲۴)، التفسیر المنیر (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۵۷)، تفسیر شبر (شبر، ۱۴۱۲ق: ۳۹)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم (طنطاوی، بی‌تا، ج ۱: ۲۶)، من وحی القرآن (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۸۶)، تیسیر الکریم الرحمن (آل‌سعدی، ۱۴۰۸ق: ۳۶)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۱)، التبیان فی إعراب القرآن (عکبری، بی‌تا: ۱۳)، تفسیر ابن‌عربی (ابن‌عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۹)، تفسیر اثنا عشری (حسینی شاه عبد العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۴)، تفسیر الجلالین (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶ق: ۴)؛ تفسیر الحدیث (دروزة، ۱۳۸۳ق، ج ۱: ۳۰۴)؛ تفسیر أحسن الحدیث (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۱)، تفسیر القرآن العظیم (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۵۶)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴ ج ۱: ۵۲) و تفسیر نور (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۴).

#### ۴- دیدگاه مترجمان

چنان‌که اشاره شد، مترجمان هم مانند مفسران، در ترجمه این آیه هم‌نوا نیستند. برخی آیه شریفه را بنا بر تفسیر اول، یعنی («غیر...» صفت «الذین...»)، ترجمه کرده‌اند، از جمله:

۱- «راه کسانی که به آنها نعمت دادی (همانند انبیا و پیروان راستین آنها)، آنان که نه مورد خشم (تو) قرار گرفته‌اند و نه همراه‌اند» (علی مشکینی، ۱۳۸۱: ۱۹).

۲- «راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای، همان‌ها که نه در خور خشم‌اند و نه گمگشتگان» (فولادوند، ۱۴۱۵ق: ۱).

۳- «راه آنان که به نعمت پرورده‌ای؛ که نه بر ایشان خشم آورده‌ای و نه همراه‌اند» (گرمارودی، ۱۳۸۴: ۱).

مترجمان دیگری که این ترجمه را برگزیده‌اند، عبارتند از: فیض‌الإسلام، حسین انصاریان، محمدعلی رضایی اصفهانی، محمود صلواتی. اما تعداد بیشتری از مترجمان، همانند مفسران، آیه را مطابق تفسیر دوم معنا کرده‌اند:

۱- «راه آنان که نعمت کردی تو بر ایشان از مؤمنان، جز آنان که خشم گرفتی بر ایشان از جهودان و نه گمراهان از ترسایان» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۶۲).

۲- «راه آنان که به آنها انعام فرمودی، نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی (قوم یهود) و نه گمراهان (چون اغلب نصاری)» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۱).

۳- «راه کسانی که مورد انعام و اکرام تو واقع گردیده‌اند و ایشان را برگزیده‌ای و گرامی داشته‌ای؛ نه راه کسانی که مورد سخط و غضب تو واقع گشته‌اند و نه راه کسانی که از طریق حق و راه مستقیم منحرف گردیده‌اند و گمراه شده‌اند» (بانو امین، ۱۳۶۱: ۴۹).

۴- «راه آنان که انعام کردی بر ایشان نه آنان که غضب شده بر ایشان و نه گمراهان» (شعرانی، ۱۳۷۴: ۲).



۵- «راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳: ۱).

مترجمان دیگری که چنین ترجمه‌ای کرده‌اند، عبارتند از:

علی‌اکبر طاهری قزوینی، عبدالمحمد آیتی، اصغر برزی، سید مهدی حجّتی، سید محمود طالقانی، ترجمه کاشف، محمدکاظم معزی، ترجمه تفسیر طبری.

### ۵- نظریه مختار

به نظر می‌رسد از میان این دو تفسیر و ترجمه، تفسیر دوم صحیح‌تر است و آیه شریفه در صدد بیان این نیست که بگوید «(ما را به راه راست هدایت فرما)، راه کسانی که به آنان نعمت داده‌ای؛ همان کسانی که مورد خشم تو نیستند و گمراه نشدند». اگر قائل به این ترجمه شدیم، معنایش این است که در این آیه، سخن از یک گروه است: «نعمت‌داده‌شدگانی که از غضب الهی و گمراهی مبرا هستند».

چنان‌که در تفسیرها و ترجمه‌های گوناگون فوق نشان داده شد، ظاهراً این آیه کریمه اشاره به سه گروه مجزاً دارد. با توجه به برخی از آیات شریفه قرآن و روایات تفسیری مشخص می‌شود که این تفسیر هیچ استبعادی ندارد.

### ۵-۱) شواهد و مصداق‌های قرآنی بر تأیید تفسیر دوم

در قرآن مجید، هم گروه «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» مشخص شده‌اند و هم دو گروه دیگر (مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ وَ ضَالِّينَ)؛ مثلاً در مورد گروه نخست روایات متعددی است که آنها را همان افراد مذکور در آیه ۶۹ سوره نساء معرفی می‌کنند: «قَالَ الْإِمَامُ<sup>(۴)</sup> صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ... وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری<sup>(۴)</sup>، ۱۴۰۹ق: ۴۷؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۸ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۳).

در آیاتی هم اشاره به «مَغْضُوبِينَ» شده است؛ مثلاً: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ...﴾ (الممتحنه/۱۳). شیخ طوسی مصادیق «قوماً» را «یهود و دیگر کافران» می‌داند (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج: ۹، ۵۸۸ و واحدی، ۱۴۱۱ق: ۴۴۵). نیز آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (المجادله/۱۴): در مورد منافقینی است که یهود را دوست و اولیای خویش برگرفته بودند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۹، ج: ۳۸۰).

در کریمه دیگر، منافقان و مشرکانی که سوء ظنّ به خدای تعالی دارند از مصادیق «مَغْضُوبِينَ» برشمرده شده‌اند: ﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (الفتح/۶).

در مورد گروه «الضَّالِّينَ» نیز می‌توان به آیه شریفه زیر اشاره نمود که در آن به جهنمیان زبانکار اشاره شده است: ﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ \* تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ \* أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ \* قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِفْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ﴾ (المؤمنون/۱۰۶-۱۰۳).

با توجه به این آیات می‌توان استفاده کرد که در سوره حمد، سخن از سه دسته از انسان‌ها به میان آمد؛ یک دسته «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» هستند که از مصادیق آن در آیه ۶۹ سوره نساء ذکر شده است و دو دسته دیگر، یعنی «المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «الضَّالِّينَ» که در آیات دیگری به مصادیق آنها اشاره شده است.

## ۵-۲) شواهد و مصداق‌های روایی بر تأیید تفسیر دوم

افزون بر آیات فوق، مؤید این نظریه، روایات متعددی است که از معصومین (علیهم‌السلام) در تفسیر و تأویل این آیه شریفه وارد شده است.

۵-۲-۱) شمار متعددی از این روایات، «المَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» را «یهود» و نیز «الضَّالِّينَ» را «نصاری» معرفی می‌کنند؛ از جمله در تفسیر عیاشی، ضمن روایاتی که متضمن تفسیر سوره حمد بوده، آمده است:

الف) «عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ فَقَالَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ [يُنْتَنَى فِيهَا الْقَوْلُ]. قَالَ: وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> إِنَّ اللَّهَ مَنَّ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ [مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ فِيهَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ صِرَاطَ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُمْ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾ الْيَهُودُ ﴿وَ غَيْرِ الضَّالِّينَ﴾ النَّصَارَى» (العیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۲ و بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۵).

ب) «عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup> عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾، قَالَ: هُمُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى» (العیاشی، ۱۳۸۰ ق، ج ۱: ۲۴، بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۷ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۵).

ج) «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup>... ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ﴾ قَالَ هُمُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۷۵؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ۳۱۹ و ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۳: ۸۷).

البته لازم به یادآوری است که یهود و نصاری از جمله مصادیق این کریمه به شمار می‌روند و نه اینکه تنها مصادیق آن باشند، چنان‌که از امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> ذیل آیه مورد بحث نقل شده است که فرمود: «... كُلُّ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ فَهُوَ مَغْضُوبٌ عَلَيْهِ، وَ ضَالٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَ قَالَ الرَّضَا<sup>(ع)</sup> كَذَلِكَ، وَ زَادَ فِيهِ، فَقَالَ: وَ مَنْ تَجَاوَزَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup> الْعُبُودِيَّةَ، فَهُوَ مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ مِنَ الضَّالِّينَ» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۹ ق، ج ۵۰ و صدوق، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۶). در تفسیر عیاشی نیز آمده است: «... ابن‌ابی‌عمیر رَفَعَهُ فِي قَوْلِهِ ﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ غَيْرِ الضَّالِّينَ﴾ وَ هَكَذَا نَزَلَتْ قَالَ: الْمَغْضُوبُ عَلَيْهِمْ

فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ النَّصَابُ، وَ الشَّكَاكُ الَّذِينَ لَا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ» (العیاشی، ج ۱: ۲۴؛ فیض کاشانی، ج ۱: ۸۷ و بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۰۸).

ممکن است اشکال شود در این روایات که «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «الضَّالِّينَ» به «یهود» و «نصاری» تفسیر شده‌اند، بیان کلی از این دو تعبیر است، نه اینکه منحصرأ در این آیه به این دو طایفه تفسیر و تأویل شده باشند که بخواهد مؤید تفسیر دوم باشد. در پاسخ و تأیید این سخن باید گفت روایات اشاره‌کننده به یهود و نصاری در ذیل همین آیه و برای تبیین مراد آن وارد شده است و به عنوان روایت تفسیری برای این آیه محسوب می‌شوند، چنان‌که در روایات بخش بعدی (روایات ذیل) این مطلب بهتر نشان داده شده است.

۲-۲-۵) مؤید دیگر تفسیر دوم، روایاتی است که در آنها معنا و تفسیر آیه هفتم سوره حمد بدین صورت بیان شده است:

الف) «قَالَ الْإِمَامُ (حسن عسکری<sup>(ع)</sup>) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ<sup>(ع)</sup>: أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَهُ أَنْ يَسْأَلُوهُ طَرِيقَ الْمُنْعَمِ عَلَيْهِمْ، وَ هُمُ النَّبِيُّونَ وَ الصَّادِقُونَ وَ الشَّهَدَاءُ وَ الصَّالِحُونَ وَ أَنْ يَسْتَعِيدُوا [به] مِنْ طَرِيقِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ هُمُ الْيَهُودُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: ﴿قُلْ هَلْ أَنْبَأُكُمْ بِشَرِّ مَنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ...﴾ (المائدة / ۶۰) وَ أَنْ يَسْتَعِيدُوا بِهِ مِنْ طَرِيقِ الضَّالِّينَ، وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَ ضَلُّوا عَنِ سَبِيلِ السَّبِيلِ﴾ (المائدة / ۷۷) وَ هُمُ النَّصَارَى...» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup>، ۱۴۰۹ق: ۵۰؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۶؛ استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۸۷ و مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵: ۲۷۳)؛ یعنی؛ «... خداوند، عز و جل، بندگانش را (در سوره حمد) امر کرد به اینکه از او، راه نعمت‌داده‌شدگان را طلب کنند... و پناه برند به او از راه غضب‌شدگان... و پناه برند به او از راه گمراهان ...»

ملاحظه می‌شود که بر اساس این روایت، سه راه و طریقه در این آیه شریفه مطرح است: طریق «الْمُنْعَمِ عَلَيْهِمْ»، طریق «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و طریق «الضَّالِّينَ»<sup>۴</sup>.

ب) همچنین در بخشی از یک روایت مفصل که فضل بن شاذان از قول امام رضا<sup>(ع)</sup> نقل کرده، تفسیر آیه مورد نظر شبیه روایت فوق بیان شده است: «... أَمَرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضَيَّعًا ... «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» اسْتِعَاذَةٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُعَانِدِينَ الْكَافِرِينَ الْمُسْتَخِفِّينَ بِهِ وَ بِأَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ «وَلَا الصَّالِّينَ» اغْتِنَامٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ مِنَ الَّذِينَ ضَلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ مِنْ غَيْرِ مَعْرِفَةٍ<sup>۵</sup> ... وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (الكهف/ ۱۰۴) ...» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۶۰؛ همان، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۱۰؛ همان، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۰۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۸۵۴؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲: ۵۴ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۴).

ج) در /ارشاد القلوب دیلمی نیز همین مضمون بدین گونه از امام علی<sup>(ع)</sup> نقل شده است: «... وَ أَمَّا قَوْلُهُ «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» فَتِلْكَ النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَنَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ فَنَسْأَلُ رَبَّنَا أَنْ يُنْعِمَ عَلَيْنَا وَ أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» فَأُولَئِكَ الْيَهُودُ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا فَعُضِبَ عَلَيْهِمْ... فَنَسْأَلُ رَبَّنَا أَنْ لَا يُعْضِبَ عَلَيْنَا كَمَا عَضِبَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَّا قَوْلُهُ «وَلَا الصَّالِّينَ» فَأَنْتَ وَ أَمْثَالُكَ يَا عَبْدَ الصَّلِيبِ الْخَبِيثِ ضَلَلْتُمْ بَعْدَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ<sup>(ع)</sup> نَسْأَلُ رَبَّنَا أَنْ لَا يُضِلَّنَا كَمَا ضَلَلْتُمْ...» (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۶۶-۳۶۵ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۲۶۰).

در منابع اهل سنت نیز به این تفسیر اشاره شده است. بیهقی در شعب‌الایمان حدیثی را از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> نقل کرده است و در آن آمده که خداوند سوره حمد را بین خود و بندهاش تقسیم کرده است. سپس معنای آیه‌های این سوره مبارکه را تبیین می‌فرماید:

د) «... مُقَاتِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الضَّحَّاكِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ<sup>(ص)</sup> قَالَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَ عَلَى سُورَةٍ لَمْ يُنَزَّلْهَا عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرَّسُلِ قَبْلِي قَالَ النَّبِيُّ<sup>(ص)</sup> قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَسَمْتُ هَذِهِ السُّورَةَ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي فَاتِحَةَ الْكِتَابِ جَعَلْتُ نِصْفَهَا لِي وَ نِصْفَهَا لَهُمْ ... غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ يَقُولُ أَرْشَدَنَا غَيْرِ دِينِ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ غَضِبْتَ عَلَيْهِمْ وَ هُمُ الْيَهُودُ «وَلَا الصَّالِّينَ» وَ هُمْ

النَّصَارَى أَضَلَّهُمُ اللَّهُ بَعْدَ الْهُدَى فَبِمَعْصِيَتِهِمْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (بی‌هقی، ۱۴۲۳ ق، ج ۴: ۳۷ و سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۷).

با توجه به این روایات، قاری این آیه شریفه (از جمله نمازگزار)، از خدا می‌خواهد که او را در زمره نعمت‌داده‌شدگان قرار دهد، نه مغضوبین و ضالین. تنها یک روایت در منابع روایی وجود دارد که اشاره به نخستین تفسیر مذکور دارد که معتقد است تعبیر «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» ویژگی همان «مُنْعَمِينَ عَلَيْهِمْ» است؛ یعنی همان مُنْعَمِينَ که مغضوب خدا نیستند و گمراه نشدند. این روایت در تفسیر فرات کوفی آمده است و برخی هم از کتاب وی نقل کرده‌اند: «... قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبِيدُ بْنُ كَثِيرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ مِهْرَانَ الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) [فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ دِينَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جِبْرَائِيلُ (ع) عَلَى مُحَمَّدٍ (ص)] صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ قَالَ شَيْعَةَ عَلَى الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ بَوْلَايَةَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) لَمْ تَغْضَبْ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَضِلُّوا» (فرات الكوفی، ۱۴۱۰ ق: ۵۱؛ صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۳۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۸۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۵ و عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۴).

با وجود این، باید توجه داشت که «عَبِيدُ بْنُ كَثِيرٍ» میان علمای رجال، مشهور به کذب و جعل حدیث است. ابن‌الغضائری در رجال خود درباره او می‌گوید: «عَبِيدُ بْنُ كَثِيرٍ ... كَانَ يَضِيعُ الْحَدِيثَ مُجَاهِرَةً، وَ لَا يَحْتَشِمُ الْكِذْبَ الصَّرَاحَ وَ أَمْرُهُ مَشْهُورٌ» (ابن‌الغضائری، ۱۳۶۴: ۸۰)؛ یعنی عبید بن کثیر آشکارا حدیث جعل می‌کرد و از گفتن دروغ ابایی نداشت و او در این مورد مشهور است.

دیگر بزرگان رجالی نیز همین نظر را درباره «عبید بن کثیر» دارند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۳۴؛ حلی، ۱۳۴۲: ۴۷۲ و حلی، ۱۴۱۱ ق: ۲۴۵). همچنین در سند این حدیث، «عَبِيدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ مِهْرَانَ» مجهول است و در کتب رجالی شیعه نیز هیچ نامی از او برده نشده است. بنا بر این روایت، با عنایت به سخن علمای رجال در باب «عَبِيدُ بْنُ كَثِيرٍ» که

جاعل حدیث بود و اینکه ناظر به فضیلتی برای شیعیان امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> است، خالی از انگیزه برای جعل آن نیست و در مضان آتھام به جعل و وضع قرار دارد. لذا این روایت با توجه به ضعف سندی که دارد، اعتباری ندارد و نمی‌تواند مؤیدی برای تفسیر و ترجمه مذکور باشد.

در پایان، تذکر این نکته ضروری است که منظور این نوشتار آن نیست که «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» در آیه مورد بحث، هم ممکن است دچار غضب الهی یا گمراهی شوند. قطعاً کسانی که در این آیات شریفه یعنی «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» که همان انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین هستند و راه ایشان مطلوب و مورد درخواست می‌باشد، غبار غضب الهی و گمراهی بر دامانشان نمی‌نشیند، ولی این حقیقت با در نظر گرفتن روایات فوق از این آیه استفاده نمی‌شود، بلکه مراد این آیات همان است که بر آن تأکید شد.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله با بررسی تفاسیر و ترجمه‌های مختلف که از آیه هفتم سوره مبارکه حمد سخن گفته بودند، نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- این آیه شریفه به دو صورت ترجمه و تفسیر شد، به گونه‌ای که قابل جمع نیستند. در یک ترجمه، سخن از این است که نعمت‌داده‌شدگان مذکور در آیه، «غضب شده» و «گمراه» نیستند؛ یعنی این دو صفت از «مُنْعَمِينَ» در این آیه نفی شده است: «نعمت‌داده‌شدگانی که مغضوب و گمراه نشدند». ولی ترجمه دوم به این نکته اشاره دارد که اینها سه گروه جدا از هم هستند و در واقع، مراد آیه شریفه این است که «(خدایا) ما را در زمره مُنْعَمِينَ قرار بده، نه مغضوبین و نه ضالین». بدین ترتیب، در ترجمه اول تنها سخن از یک دسته ﴿الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ است و در ترجمه دوم، سخن از سه دسته متمایز از انسان‌ها: «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ، الضَّالِّينَ».

۲- اکثر مفسران و مترجمان به معنای دوم گرایش داشته‌اند. البته برخی مفسران مانند علامه طباطبائی<sup>(۵)</sup> و آیت‌الله خویی در آثار خود به هر دو وجه فوق اشاره کرده‌اند که ظاهراً سهوی است که بر قلم ایشان رفته است.

۳- با استناد به برخی آیات و روایات که می‌توانند مفسر و مبین این آیه باشند، روشن می‌گردد که تفسیر و ترجمه صحیح، همان ترجمه دوم است. این روایات که در تفسیر یا تأویل این آیه وارد شده، بیانگر این حقیقت‌اند که «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» که مصداق بارز آن یهود، و «الضَّالِّينَ» که مصداق بارز آن نصاری هستند، از «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» متمایز است و در واقع، با گفتن این دو فراز، از خداوند خواسته می‌شود که راه انسان از آنها جدا شود و به «مُنْعَمِينَ عَلَيْهِمْ» ملحق گردد. تنها یک روایت به ترجمه اول اشاره داشت که آن هم به دلیل ضعف سندی و تعارض با روایات دیگر این باب، از درجه اعتبار ساقط است.

۴- تفسیر و ترجمه نخست، از روایات متعدّد وارد شده در تفسیر آیه شریفه غفلت ورزیده است و به خطا رفته است و چه بسا اگر این مفسران و مترجمان به روایات مزبور توجه داشتند، از چنین تفسیر و ترجمه‌ای خودداری می‌کردند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱- «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» بَدَلٌ مِّنَ «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» عَلَى مَعْنَى أَنَّ الْمُنْعَمَ عَلَيْهِمْ هُمُ الَّذِينَ سَلَمُوا مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ الضَّلَالِ، أَوْ صِفَةً عَلَى مَعْنَى أَنَّهُمْ جَمَعُوا بَيْنَ النِّعْمَةِ الْمُطْلَقَةِ وَ هِيَ نِعْمَةُ الْعِصْمَةِ وَ بَيْنَ السَّلَامَةِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ الضَّلَالَةِ.»

۲- «وَ هُوَ لِأَهْلِ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ مَأْمُونُونَ مِنَ الضَّلَالِ وَ الغَضَبِ، لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ...».

۳- «... فَإِنْ قُلْتَ: لِمَ دَخَلْتَ لِأَفِي «وَ لَا الضَّالِّينَ»؟ قُلْتُ: لِمَا فِي - غَيْرِ - مِنْ مَعْنَى النَّفْسِ، كَأَنَّهُ قِيلَ: لَا الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ.»



۴- هر چند در صحت انتساب کتاب تفسیر منسوب به امام عسکری<sup>(ع)</sup> به ایشان تردید شده، ولی به دلیل وجود روایات صحیح متعدّد در آن، برخی از علما، از جمله شیخ صدوق، به این کتاب اعتماد و استناد کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر در باب این تفسیر؛ ر.ک؛ بابایی، بی تا، ج ۱: ۷۹-۹۸).

۵- تعبیر «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» استعاده‌ای است به خدا از اینکه در زمره دشمنان کافر باشند و تعبیر «وَلَا الضَّالِّينَ» پناه بردن به خداست از اینکه در زمره گمراهان از طریق الهی قرار گیرند...

## منابع و مآخذ

### قرآن کریم.

- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر. (۱۴۰۸ق.). تیسیر الکریم الرحمن. بیروت: مکتبه النهضة العربیة.  
 آل غازی، سید عبدالقادر ملاحویش. (۱۳۸۲ق.). بیان المعانی. دمشق: مطبعة الترقی.  
 ابن ابی جمهور احسائی، محمد. (۱۴۰۵ق.). عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الیدیة. قم: دار سیدالشهداء للنشر.  
 ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.  
 \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.  
 \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸ق.). عیون أخبار الرضا<sup>(ع)</sup>. تهران: نشر جهان.  
 \_\_\_\_\_ . (۱۴۰۳ق.). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق.). مناقب آل ابی طالب<sup>(ع)</sup>. قم: نشر علامه.  
 ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التّنویر. بی جا: بی نا.  
 ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۲۲ق.). تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق). بیروت: دار احیاء التراث.  
 ابن الغضائری، احمد بن حسین. (۱۳۶۴). الرجال. قم: دار الحدیث.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- استرآبادی، علی. (۱۴۰۹ق.). *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- بابایی، علی اکبر. (۱۳۹۰). *مکاتب تفسیری*. قم: سمت، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۳۷۴). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه بعثه.
- بروجردی، سید حسین. (۱۴۱۶ق.). *تفسیر الصراط المستقیم*. قم: مؤسسه انصاریان.
- بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰ق.). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق.). *تفسیر مقاتل*. بیروت: دار احیاء التراث.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق.). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیهقی، أحمد بن الحسین. (۱۴۲۳ق.). *شعب الایمان*. ریاض: مكتبة الرشد للنشر والتوزیع.
- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری*<sup>(ع)</sup>. (۱۴۰۹ق.). قم: نشر مدرسه الإمام المهدي (عج).
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). *تسنیم*. تحقیق علی اسلامی. ج ۸. قم: إسرائ.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ش). *تفسیر اثنا عشری*. تهران: انتشارات میقات.
- حلی، حسن بن علی. (۱۳۴۲). *الرجال*. تهران: دانشگاه تهران.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق.). *رجال العلامة الحلی*. نجف: دار الذخائر.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (بی تا). *البيان فی تفسیر القرآن*. بی جا: بی نا.
- دروزة، محمد عزت. (۱۳۸۳ق.). *التفسیر الحدیث*. قاهره: دار احیاء الکتب العربیة.
- درویش، محیی الدین. (۱۴۱۵ق.). *اعراب القرآن و بیانه*. سوریه: دار الإرشاد.
- دقاس، حمیدان قاسم. (۱۴۲۵ق.). *اعراب القرآن الکریم*. دمشق: دار المنیر و دار الفارابی.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *إرشاد القلوب إلی الصواب*. قم: نشر الشریف الرضی.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق.). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*. بیروت/ دمشق: دار الفكر المعاصر.
- زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.

- سايس، محمدعلي. (بي تا). *تفسير آيات الاحكام*. بيروت: المكتبة العصرية.
- سيوطي، عبدالرحمن. (١٤٠٤ق.). *الدر المنثور في تفسير المأثور*. قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
- شبر، سيد عبدالله. (١٤١٢ق.). *تفسير القرآن الكريم (شبر)*. بيروت: دار البلاغة للطباعة و النشر.
- صادقي تهراني، محمد. (١٤١٩ق.). *البلاغ في تفسير القرآن بالقرآن*. قم: نشر مؤلف.
- صافي، محمود بن عبدالرحيم. (١٤١٨ق.). *الجدول في اعراب القرآن*. دمشق: دار الرشيد.
- طباطبائي، سيد محمدحسين. (١٤١٧ق.). *الميزان في تفسير القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرّسين.
- طبرسي، احمد بن علي. (١٤٠٣ق.). *الإحتجاج على أهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضى.
- طبرسي، فضل بن حسن. (١٣٧٢). *مجمع البيان في تفسير القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- \_\_\_\_\_ . (١٣٧٧). *جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طوسي، محمدبن حسن. (٣٩٠ق.). *الإستبصار فيما اختلف من الأخبار*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- \_\_\_\_\_ . (بي تا). *التبيان في تفسير القرآن*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- \_\_\_\_\_ . (١٤٠٧ق.). *تهذيب الأحكام*. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- طنطاوي، سيد محمد. (بي تا). *التفسير الوسيط للقرآن الكريم*. قاهره: دار نهضة مصر للطباعة.
- عروسي حويزي، عبدعلي. (١٤١٥ق.). *تفسير نور الثقلين*. قم: نشر اسماعيليان.
- عكبري، عبدالله بن الحسين. (بي تا). *التبيان في اعراب القرآن*. عمان: بيت الأفكار الدولية.
- عياشي، محمدبن مسعود. (١٣٨٠ق.). *تفسير العياشي*. تهران: المطبعة العلمية.
- فخر رازي، محمد بن عمر. (١٤٢٠ق.). *مفاتيح الغيب*. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- فرات كوفي، فرات بن ابراهيم. (١٤١٠ق.). *تفسير فرات الكوفي*. تهران: مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي.
- فضل الله، سيد محمدحسين. (١٤١٩ق.). *من وحى القرآن*. بيروت: دار الملاك للطباعة و النشر.
- فيض كاشاني، محمدمحسن. (١٤١٥ق.). *تفسير الصافي*. تهران: مكتبة الصدر.
- \_\_\_\_\_ . (١٤٠٦ق.). *الوافي*. اصفهان: كتابخانه امام أميرالمؤمنين علي<sup>(ع)</sup>.

- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. ج ۱۱. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سیّد علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محلّی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی. (۱۴۱۶ق.). *تفسیر الجلالین*. بیروت: مؤسّسة النور للمطبوعات.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (بی‌تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- موسوی خمینی<sup>(ع)</sup>، روح‌الله. (۱۳۸۸). *تفسیر سوره حمد*. ج ۱۱. تهران: مؤسّسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. قم: مؤسّسة النشر الاسلامی.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد. (۱۴۱۱ق.). *اسباب نزول القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.